

دکتر سید علی اکبر فامیل روحانی  
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

# قرآن زیر ساخت تمدن اسلامی





## مقدمه:

زیرساخت‌ها و پیشینه‌های فکری فرهنگی و عقیدتی هر جامعه‌ای زمینه‌ساز پیدایش تمدن در بین آنان است. هرچند در پیدایش تمدن عوامل گوناگونی دخیل هستند که هر کدام به نوبه خود نقشی را کم یا زیاد در آن ایفا می‌کنند، ولی در این میان مؤلفه‌های علمی و فرهنگی از جایگاه والایی برخوردار است. بررسی ویژگی‌های تمدن‌های مختلف از دیرباز در بین اقوام گوناگون، بیانگر نوعی تحول اجتماعی فرهنگی است که با توسعه دانش و گسترش حیطه‌های علمی در آن جوامع رابطه مستقیم دارد. هر جا شاهد تمدنی هستیم، تولید علمی، ابداع، ابتکار، بینش پسندیده، خوش فکری و اندیشه‌های ناب و تابناک برستیغ آن خودنمایی می‌کند. بر همین اساس و مبتنی بر همین بینش، واریسی و بررسی منابع دینی، به ویژه قرآن کریم به عنوان منبعی سرشار از معارف و حیانی که حاوی آموزه‌های بینشی، اندیشه‌ای و علمی در حوزه‌ها و ساخت‌های گوناگون حیات بشری است، برای بازیابی و تعیین جایگاه و نقش آن در فرایند و برآیند تمدن‌سازی امری لازم به نظر می‌رسد. در حقیقت فرایند اصلی در این مجال این است که: در ساختار تمدن نوین اسلامی، قرآن به عنوان غنی‌ترین کتاب مولد فرهنگ و تمدن، از چه نقش و جایگاهی برخوردار است؟ در پاسخی اجمالی به این فرایند به نظر می‌رسد نقش قرآن در فرایند تمدن‌سازی نوین اسلامی، نقشی زیرساختی و زیربنایی است، چنان‌که شکوفایی علمی مسلمانان در گذشته و پیدایش تمدن مشعشع اسلامی در قرون پیشین، که جهان علم و اندیشه را تحت نفوذ و سیطره خود قرار داد، برگرفته از آموزه‌ها و هدایت‌های قرآن کریم بوده است. با همین پیش فرض در این مجال به شناسایی آیاتی از قرآن اهتمام شده است که زمینه‌ساز پیشرفت علمی و فرهنگی

شهر روی آورد... نوشتن، نظام سازمان یافته حکومتی، دانش ذوب فلزات، به کار بردن علوم تجربی و ریاضیات، تولید پیشرفته، رفاه نسبی، رهایی از گرسنگی و... از نموده‌های تمدن حساب می‌شوند. (دایره‌المعارف آمریکانا)

فرهنگ «فصل جداگر انسان از حیوان است... انسان موجودی است طبیعی که از راه فرهنگ بر طبیعت درون (غریزه) و بیرون چیره گشته است... فرهنگ را از جهتی به «فرهنگ مادی» و «فرهنگ معنوی» بخش بندی کرده‌اند. فرهنگ مادی را شامل همه وسائل و ابزارهای مادی و آنچه به دست بشر از ماده طبیعی ساخته می‌شود و شیوه‌ها و فرآیندهای ساخت و ساز آنها می‌دانند و فرهنگ معنوی را شامل ارزش‌ها، ایده‌ها و باورها، اندیشه‌ها و فن‌ها، یعنی آداب و سنت‌ها، علوم و فلسفه و ادبیات و هنر و همه فرآورده‌های ذهنی انسان». (ولایتی، ص ۱۹)

#### رابطه فرهنگ با تمدن:

فرهنگ و تمدن در ارتباط نزدیک با هم هستند، ولی لازم و ملزوم یکدیگر نیستند؛ چه بسا قبایل با فرهنگ که بویی از تمدن نبرده‌اند و چه بسیار جماعت‌های متمدن که بویی از فرهنگ ارزشی به مشامشان نرسیده است.

#### اسلام:

واژه اسلام را گردن نهادن، فرمان بردن، پذیرفتن دین، پذیرفتن شریعت حضرت محمد(ص) و حتی دین آن حضرت معنی کرده‌اند. اسلام در معنای اصطلاحی، تسلیم امر خدا شدن و اطاعت بی‌چون و چرا از اوامر او و اجرای دستورات و مناسک تعیین شده در این دین مبین است. با توجه به مقدمات بیان شده و تعریف‌هایی که ارائه گردید، ما برآنیم تا از تمدن و فرهنگی سخن بگوییم که بر اساس آموزه‌های خاص خود

مسلمانان شده و منجر به پیدایش تمدنی گردیده که نظیر آن در تاریخ تکرار نشده و تمدن کنونی غرب نیز گرته‌برداری ناقصی از آن بوده است. روشن است که شناخت این آیات و بهره‌برداری درست از آنها کمک شایانی در مهندسی و طراحی تمدن نوین اسلامی خواهد داشت.

#### تمدن چیست، فرهنگ کدام است؟

تمدن، میراث یا سپرده تاریخ اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد. به دیگر سخن، تمدن ناظر بر تمام دستاوردهای مادی و معنوی بشر است که به‌رغم گوناگونی آن در جوامع مختلف، جملگی جلوه یکتایی از تلاش‌های آدمی برای شناخت خود و جهان پیرامون و غلبه بر مشکلات است. تمدن، مصدر و فعل لازم می‌باشد به معنی شهرنشین شدن، به اخلاق و آداب شهریان خوگر شدن. (فرهنگ معین) بین تمدن و فرهنگ رابطه عمیقی وجود دارد؛ فرهنگ یا فرهنگ به معنای ادب، تربیت، دانش، علم و معرفت کاربرد دارد، (فرهنگ معین) ولی این واژه با مسائل عمیق و گسترده‌ای در حیطه جماعت‌های بشری سروکار دارد که تمام ابعاد وجودی، ارتباطات، مناسبت‌ها، آداب و رسوم یک جامعه را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. دهخدا می‌نویسد: «تخلق به اخلاق اهل شهر و انتقال از خشونت و جهل به حالت ظرافت و انس و معرفت» (لغتنامه دهخدا).

در مفهوم سنتی و پیشین، تمدن به درجات پیشرفت جامعه بشری اشاره دارد که در برابر توحش و بربریت قرار گرفته، با آن مقایسه می‌شود. انسان زمانی متمدن به حساب می‌آید که بتواند شکارچی باشد و خوراک خود را تهیه کند و از صحرانشینی به زیستن در جامعه یا

توانسته در بین تمدن‌ها، جایگاه ویژه‌ای را احراز کند و پیروان خود را به فراهم‌آوری تمهیداتی تشویق کند که زیرساخت یکی از مشعشع‌ترین تمدن‌ها در دوره‌های مختلف پس از نشر و گسترش آموزش‌های این دین الهی شده است.

#### تمدن اسلامی:

جامعه عربی پیش از وفات پیامبر(ص) در سال ۶۳۲ پس از میلاد، به صورت جامعه‌ای درآمده بود که با رشته‌های فرهنگ اسلام به هم بسته شده بود. در عرض چند سال پس از رحلت حضرتش، اعراب توانستند فرهنگ و نفوذ خود را از شرق تا چین و از سوی مغرب تا کشور اسپانیا گسترش دهند. (محمد مکی السباعی، ص ۱۰).

#### تمدن‌سازان قرآن‌شناس:

اندیشمندان جهان اسلام و علاقمندان به کنکاش در عرصه دانش و اندیشه، در سایه حمایت‌های علمی و تربیتی مستمر ائمه اطهار(ع) مکتب جدیدی را در میدان تضارب آرا و افکار پدید آوردند، که با گذشت قرن‌ها و کسب پیروزی‌های فراوان در فراخنای مجهولات بیکران، در سایه مجاهدت‌های علمی با هدایت‌های بزرگان علم و اندیشه، موفق شدند زمینه‌های گوناگون نوآندیشی را با ورود به کانون‌های علمی و بهره‌گیری از علوم تجربی توسعه یافته در دامن دانشمندان مسلمان و استفاده از توانمندی‌های علوم اسلامی با ارشادات قرآنی به موقعیتی نائل شوند که با وجود پیشرفت‌های سریع در تمام عرصه‌های علمی، هنوز که هنوز است تمام دانشمندان منصف معترف هستند که چنان دوره‌ای در تاریخ علم بشر تکرار نشده است.

#### مقام تمدن‌سازان:

تمدن‌سازی اسلامی با شروع نهضت نوین با

بعثت رسول گرامی اسلام، حضرت محمد(ص)، در جامعه‌ای رونق یافت که می‌توان آن جامعه را در ردیف صحرانشینان بدوی به حساب آورد. نوآوری دینی آخرین رسول الهی تمام عرصه‌های فکری، فرهنگی، عقیدتی و باورهای اهالی حجاز را تحت تأثیر ارزش‌های متعالی و اعتقادات راسخ مکتبی قرار داد که پس از گذشت اعصار و قرون در هیچ جامعه دیگری نظیرش بروز و ظهور نیافته است.

#### تلاش برای کسب رضایت خداوند متعال:

«قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَمَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». (انعام: ۱۶۲) پرورش نیروهای متفکر و فرهیخته‌ای که جز کسب رضایت الهی نمی‌پویندند و جز آن، فکری را در مخیله خویش نمی‌پروراندند، سبب پیدایش دانشمندی‌های ژرف‌اندیش شد که هر یک به نوبه خود رشته‌ای از علم و تمدن اسلامی را پدید آوردند و زمینه‌های گسترش آن را با مطالعات ژرف و پی‌جویی‌های دقیق ایجاد کردند. این متفکران خداجو، در راستای دستیابی به اهدافی معنوی و اجرای فرمان الهی مبنی بر: «فَلَوْ لَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ»، (توبه: ۱۲۲) تمام استعدادها و توانمندی‌های علمی و فکری خویش را برای رونق مکتبی به‌کار گرفتند که به نظر می‌رسد فقط در نظام جمهوری اسلامی فعلی ایران شاهد چنان شکوفایی و گسترش فعالیت‌ها برای تولید علم در زمینه‌های گوناگون باشیم. در زیر به نمونه‌هایی از این ایثارگری‌های معلمان و استادان فرهیخته‌ای که در دامن این مکتب پرورش یافتند اشاره‌ای کوتاه می‌شود:

- **عمل بدون چشم‌داشت دستمزد:** پیامبر اکرم(ص)، نخستین معلم در اسلام، هیچ‌گاه در اندیشه دریافت دستمزد از کسی نبود و این

مطلب به صراحت در قرآن مورد توجه قرار گرفته است: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى». (شوری: ۲۳) یاران پیامبر(ص) که پس از او به آموزش دست یازیدند، نه تنها از آموزش سود مادی نمی بردند که حتی دارایی های خود را هم در این راه می پرداختند و از دریافت دستمزد برای یاد دادن قرآن بیزار بودند. ابوبکر جوزقی نیشابوری می گفت: «برای حدیث یکصد هزار دینار صرف کردم و هرگز یک دینار از راه آن دریافت نداشتم». چنین رفتار حمایت آمیزی سبب شده بود که استعدادهای درخشان جامعه، گروه گروه به فعالیت های سازنده علمی بپردازند و برای دستیابی به معارف تمدن ساز، راه های پرخطر دور و دراز را مشتاقانه طی کنند تا در محضر استادی خاص زانو بزنند و رهاورد آن را به جامعه بشری مشتاقانه و بدون کمترین چشم داشت مادی هدیه نمایند. وقتی فردی در عرصه علم به شاخصیت می رسد، آثارش را با گران بهاترین قیمت ممکن روز خریداری می کردند؛ جاحظ می گوید: کتاب حیوان را به محمدبن عبدالملک، البیان و التبیین را به احمدبن دؤاد و الزراعة و النحل را به ابراهیم بن عباس صولی هدیه کرده و از هر کدام ۵ هزار دینار گرفتم. رشید ماهانه ده هزار دینار به کسائی می داد، این مبلغ در کنار حقوق ثابت پیشین، همراه کنیزی زیبا و برآوردن همه نیازهای او بود. میانگین حقوق ماهانه مربی هزار دینار بوده است.

- **مسئولیت دانشمند بودن:** دانشمند مسلمان باید نیازهای گوناگون جامعه خود را پیوسته مدنظر قرار دهد و برای برطرف نمودن آنها راهکار، ارائه کند. «لَيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ؛ باید که در دین صاحب نظر شوند»، (توبه: ۱۲۲) تنها مسائل دینی و احکام را دربر نمی گیرد، بلکه هر نوع کاستی و نیاز در هر رشته و گرایش علمی مورد توجه شارع مقدس است. «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ؛ پس چرا در قرآن به ژرف اندیشی نمی پردازند»، (نساء: ۸۲) وجه دیگری از این کنکاش را شامل می شود تا با مراجعه به این کتاب مقدس راهکارها را از فحوای آیات شریف استخراج کند. «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر: ۲۸) منظر دیگری از مقام شامخ دانشمندان را به نمایش می گذارد که تنها اینان دارای چنان توانایی ارزنده ای می شوند! «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (الرحمن: ۲)، «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (العلق: ۵) و بالأخره با «كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹) رهبریت علمی اجتماعی را به برگزیدگان و شرافتمندان این عرصه می سپارد که نمونه والای آن امیرالمؤمنین (ع) است.

- **وحدت کلمه:** پیامبر اکرم(ص) پیام آزادی بخش خویش را با شعار یکتاپرستی آغاز کرد تا مردم بی تمدن عربستان را با گردآوری بر محور یگانه پرستی همسو و همراه کند تا قدرتشان فزونی یابد و در سایه آن بتواند



- قوی ترین عامل عامل
- وحدت بخش، برای حرکتی
- اجتماعی، فرهنگی و در
- نتیجه تمدن ساز، دین
- مشترکی بوده است که افراد
- یک ملت یا امت به آن پایبند
- بوده اند.

زیرساخت تمدن اسلامی را پایه‌ریزی کند. عمده‌ترین زیرساخت تمدن و عامل پیدایش فرهنگ برتر، توافق و همسویی یک امت بر مسائل مشترک برای حراست از منابع مشترک خود است.

چنانچه، افراد قومی خاص، پیوسته درگیر تصادمات و تعارضات برخاسته از اندیشه‌های تفرقه‌افکنانه باشند یا در فرهنگی پرورش یافته باشند که مدام عوامل جدایی و تقارار در بین آنان توسعه می‌دهند، اینان هیچ‌گاه نمی‌توانند به قدرتی تبدیل شوند که نیازهای ابتدایی خویش را از درون برآورده سازند تا در نتیجه به‌خاطر نبود وابستگی به دیگران روی پای خود بایستند و برای خود فرهنگ و تمدنی والا پدید آورند.

ستیزه‌جویی و کینه‌ورزی قومی، قوی‌ترین عامل بازدارنده تولید وحدت در راستای دستیابی به اهداف والا و انسان‌ساز هستند؛ به همین دلیل است که در آیاتی از قرآن مجید شاهد هستیم که مؤمنان را به وحدت کلمه و یکپارچگی در اندیشه و عمل دعوت می‌کند. شاید یکی از دلایل و فلسفه‌های برگزاری برخی از عبادات به جماعت، در این قضیه ریشه داشته باشد.

دعوت به یگانه‌پرستی که قوی‌ترین عامل برای همسوسازی پیروان است در آغازین پیام رسول خدا: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، نشانگر چنین هدف مقدسی است. در ادامه به برخی از آیاتی که مردم را به وحدت کلمه و پرهیز از اختلاف و دو دستی دعوت می‌کند، اشاره می‌شود:

• «إِنَّ اللَّهَ رِبِّيٌّ وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ تنها یزدان پروردگار من و پروردگار شماست پس وی را بپرستید، این راه راست است». (آل عمران: ۵۱)

• «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ؛ پس آنان که به یزدان باورمند

شدند و بر محور وجودش گرد آمدند، پس یزدان هم آنان را در زیر چتر مهربانی خاص خود می‌برد». (نساء: ۱۷۵)

• «وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ؛ پس باید که بر پیمان الهی پایدار باشید که او فرمان‌فرمای شماست». (حج: ۷۸)

در آیه دیگر امت را به گرد مقدس‌ترین موجود فرامی‌خواند:

• «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا؛ و آنان را با دعوت به پیمان الهی از چند دستگی و تفرقه باز می‌دارد». (آل عمران: ۱۰۳)

از آنان می‌خواهد تا پیمانی را که با پروردگار عالمیان داشته‌اند در نظر بگیرند، و هیچ‌گاه درگیر تنازع نشوند؛ زیرا:

• «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ؛ فرمان یزدان و فرستاده‌اش را برید و درگیر تنازع نشوید که سست می‌شوید و عظمت خویش را از دست خواهید داد». (انفال: ۴۶)

و شکست را زاده بددلی نسبت به هم و سست شدن در امری خاص می‌داند:

• «حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَ تَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَ عَصَيْتُمْ» (آل عمران: ۱۵۲)

حادثه ناگوار جنگ احد را یادآوری می‌فرماید و شکست در چنان جهادی را به‌خاطر تفرق و از دست دادن امکانات دفاعی برمی‌شمارد.

- **وحدت دین و مذهب، قوی‌ترین زیرساخت:** بررسی تاریخ تمدن‌های بزرگی که در منابع از آنان یاد می‌شود، حاکی از آن است که قوی‌ترین عامل وحدت‌بخش، برای حرکتی اجتماعی، فرهنگی و در نتیجه تمدن‌ساز، دین مشترکی بوده است که افراد یک ملت یا امت به آن پای‌بند بوده‌اند و در کمال خلوص مراسم و مناسک آن را در اشکال گوناگونی که داشته است به اجرا درمی‌آورده‌اند.

چنین مؤلفه‌ای درباره دین اسلام و مذهب تشیع دو بار در عرصه گیتی چهره واقعی خود را در پیدایش تمدنی غنی و قوی نشان داده است که در دوران شکوفایی خود، ملت‌ها را در اقصی نقاط جهان، تحت نفوذ و سیطره معنوی خود قرار داده است؛ هر چند در مواردی چنان ملت‌هایی دارای تمدن ارزنده و درخور ستایش بوده‌اند. نمونه بارز آن را در این دوران در سرزمین شیعه‌نشین ایران شاهد هستیم که با وجود تمام تهدیدهای سیاسی و نظامی و مزاحمت‌ها و ایجاد تحریم‌های گوناگون، جوانان و مردم باورمند به ارزش‌های والای قرآنی‌اسلامی، یکایک مدارج ترقی را طی می‌کنند و با عنایت الهی در آینده‌ای نه‌چندان دور دوباره به «کَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» برای حاکمیت بخشی به توحید اصیل اسلامی، واقعیت می‌بخشند، عرصه را چنان دگرگون می‌سازند که «جَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى» (توبه: ۴۰) عینیت یابد، تا بار دیگر چهره زیبای دین‌داری موحدانه در سراسر گیتی بروز و ظهور یابد. در چنین موقعیتی است که مشخص می‌شود دین و مذهب قوی‌ترین مؤلفه و زیرساخت برای تمدنی انسان‌ساز و سعادت‌آفرین است؛ زیرا آن زمان که «وَيَكُونُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عَدُوًّا مُّبِينًا» (انفال: ۳۹) جهان را در می‌نوردد تمدنی ساطع خواهد شد که از «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران: ۱۹) نشأت می‌گیرد و از «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه: ۳۳) قدرت می‌گیرد و پایدار می‌ماند. هانتینگتون می‌گوید: «مذهب عنصر کانونی فرهنگ و تمدن است». (آزاد ارمکی، ص ۶۷)

- **زبان یکسان:** بی‌شک وجود زبان یگانه که وسیله تفهیم و تفهم افراد یک ملت باشد، نقش سازنده و ارزنده‌ای در توسعه فرهنگ و ایجاد

تمدنی ویژه بر عهده دارد. شاید بتوان گفت قوی‌ترین ابزاری که سبب پیوند و دلبستگی و در نتیجه ایجاد حس حمایت و همدلی افراد جامعه می‌شود، زبان یگانه و قابل درک و دریافت برای آنان است و واژه‌ها در کنار بار معنایی که با خود منتقل می‌کنند نوعی احساس خودی بودن و از خود بودن را به فرد منتقل می‌کنند. آن زمان که فردی دور از یار و دیار قرار می‌گیرد و همزبانی را پیدا می‌کند، تمام دل‌تنگی‌ها، مشکلات عاطفی-روحی، حتی افسردگی‌های برخاسته از غم دوری از وطن را در کنار او از یاد می‌برد و همسوی با او، با وی خو می‌گیرد و...

حرمان‌ها و گرفتاری‌های بشر پیوسته در حال فزونی است و هرچه بر امکانات رفاهی او افزوده می‌شود، بی‌کسی و دل‌تنگی وی افزایش می‌یابد. در چنین وضعیتی بهترین راه خلاصی، برای او یافتن دوست همزبان و همدلی است تا فشار تمام اندوه‌ها و گرفتاری‌هایش را با او تقسیم کند و عقده دل بگشاید.

در کنار سایر مزایا و فوایدی که زبان و بیان «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» می‌تواند داشته باشد، تبادل افکار، عقاید و دیدگاه‌های گوناگون بنی‌بشر نقش بسیار فعال و سازنده‌ای را در توسعه فرهنگ و ایجاد تمدن نوین داراست. به همین دلیل است که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا يَلْسَانٍ قَوْمِهِ يُبَيِّنُ لَهُمْ؛ هیچ رسولی را نفرستادیم، مگر با زبان قومش تا بتواند مطالب را بر آنان بیان کند» (ابراهیم: ۴) و با ایشان رابطه انس و الفت برقرار کند و در نتیجه زمینه رشد معنویت و توسعه فرهنگ و ایجاد وحدت از راه چنان فرهنگی را فراهم کند.

**ارزش‌ها، واقعی‌ترین زیرساخت تمدن:**  
«وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا

إِلَيْهِمْ فَعَلَّ الْخَيْرَاتِ». (انبیاء: ۷۳) ارزش‌های گوناگونی که در جوامع حاکمیت دارند و اعضای چنان جامعه‌هایی خود را متعهد و مقید به اجرا و پیاده‌سازی چنان ارزش‌هایی می‌دانند، عوامل غیر قابل انکاری برای ایجاد تمدن و فرهنگ محسوب می‌شوند. با ارزش‌های خاص، یک امت متعالی و با ارزش‌های دیگری، منحط می‌گردد و راه سقوط را می‌پیماید. حاکمیت ارزش‌های شرعی و عقل‌پسند، پیوسته زمینه‌ساز پیدایش تمدن‌هایی قابل تقدیس و تکریم در بین اقوام و ملل شده‌اند. وقتی کتابی آسمانی چون قرآن را با دقت بررسی می‌کنی مشاهده می‌کنی که سراسر آیات آن با هر محتوا و پیامی به دنبال اثبات یک اندیشه، عمل، راهکار یا فعالیت ارزشی از منظر این کتاب الهی است. با توجه به اینکه ادیان الهی به دنبال ایجاد عرصه‌های سعادت‌آفرین برای مؤمنان با چنان کتاب‌ها و مکاتبی می‌باشند به ضرورت در هر فرصت و موقعیتی اجرای نوعی از ارزش را از مؤمن متقی می‌طلبند و او را به انجام آن سفارش یا امر می‌فرمایند.

تمام مناسک، عبادات، احکام، مطالب اخلاقی، عرفانی و دستوراتی که برای استحکام پیوندها بین خدا و مخلوق نیز بین مؤمنان با خودشان و حتی با بیگانگان وجود دارد، در زمره چنین ارزش‌هایی قرار دارند:

«ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ؛ با بهترین و زیباترین شیوه برخورد کن تا با کسی که میان تو و او دشمنی وجود داشته باشد، دوستی ژرف پدید آید!». (فصلت: ۳۴)

«و لَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا؛ پشت سر دیگری سخن چینی منما!»، (حجرات: ۱۲) «إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ از هم بدگویی نکنید که برخی

از گمان‌های بد، گناه به حساب می‌آیند». (حجرات: ۱۲)

آن زمان که مؤمنان مسلمان متخلق به چنین ارزش‌هایی شدند توانستند تمدنی را پدید آورند که از شرق آسیا تا غربی‌ترین نقطه اروپا و بخش عظیمی از آفریقا را در زیر سایه تمدن مشعشی قرار دهند که تاکنون نظیرش در جهان تکرار نشده است!

### دستورالعمل هدایتگر:

تمدن اسلامی برگرفته از آموزه‌های قرآنی و الگوگیری از سنت و شیوه زندگی رسول گرامی اسلام (ص) است. داشتن دستورالعمل سازنده و عاقبت‌بین، از عمده‌ترین ابزارها و خمیرمایه‌های تولید فرهنگ بالنده و تمدن افتخارآفرین است. قرآن مجید در جای‌جای خود ضمن آیاتی به این بُعد از وجوه خود اشاره دارد و تعدادی از خصوصیات خود را برمی‌شمارد؛ از جمله: «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ»، «هُدًى لِّلنَّاسِ»، «أَحْسَنَ الْقَصَصِ»، «قُرْآنٌ مُّبِينٌ»، «الْقُرْآنُ يَهْدِي»، «الْقُرْآنُ لِيَذَكِّرُوا»، «و نُنزِلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ» را برای بهره‌گیری از آن کتاب مبین ابراز می‌فرماید.

حضور چنین کتاب گران‌سنگی که کامل‌ترین دستورالعمل برای تشویق مؤمنان و طالبان حق به پی‌جویی علمی و فرهنگی به حساب می‌آید، قوی‌ترین ابزار تولید تمدن برای جامعه‌ای که بدان معتقد است، شمرده می‌شود.

تعلیمات قرآنی تمام نیازهای جوامع را برای دستیابی به بالاترین درجات ممکن در عرصه‌های تولید و توسعه، ایجاد رفاه فردی و اجتماعی از هر لحاظ، فراهم‌سازی آسایش و آرامش مورد نیاز جامعه‌ای به‌واقع متمدن که خداجویی را ره‌توشه سیر سیاسی و معنوی خویش قرار داده است، به او می‌نمایاند و



(کهف: ۴۴) «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا»، (مائده: ۵۵) «وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ» (اعراف: ۱۹۶) می‌توانند پاسخگوی چنان مطلبی باشند که در جایی دیگر باید درباره آنها بحث و بررسی کرد.

تقویت چنین پیوندی بین رب و مربوب، منتج به پیدایش گروهی مؤمن رستگار می‌شود که آرمانی‌ترین جامعه را پی‌ریزی می‌کنند و سرزمین برین را با برنامه‌های سازنده خویش آباد می‌کنند تا تمدن واقعی، وامدار اندیشه‌های تابناک آنان باشد و امتی مستقل با فرهنگ و آداب برجسته مثال‌زدنی، جهان نو را که برگرفته از سازمان فکری انسان‌های مؤمن متمدن فرهیخته و صاحب‌نظر در عرصه‌ها و گرایش‌های گوناگون علمی است در منظر و مرآی جهانیان قرار دهند. از این راه است که او می‌تواند صفات خلیفه‌گری خویش را در کامل‌ترین حد آن به منصفه ظهور برساند و بر کرسی واقعیت بنشاند.

#### اخوت و برادری:

اخوت و برادری عامل مؤثر دیگری است که هم در آیات قرآن مجید و هم در سفارشات رسولان الهی و ائمه اطهار (ع) بر آن تأکید فراوان شده است و حتی رسول گرامی اسلام (ص) خوئی به انجام عقد اخوت بین مؤمنان اقدام فرموده‌اند تا افزون بر پیوندهای خویشی، نوعی وابستگی عمیق عاطفی دینی را در روابط آنان برقرار سازند. موضوع «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ» (حجرات: ۱۰) خمیرمایه‌ای است که بنیان فرهنگ و تمدن اسلامی را تشکیل می‌دهد و از مجموعه‌ای عرب سنگدل و بی‌رحم غیر مسلمان، گروهی انسان‌های ایثارگر و فداکار تربیت می‌کند که جان و مال خود را برای حفظ آبروی برادر دینی خویش به خطر می‌انداختند.

نازل‌ترین نیازها و ساده‌ترین راهکارها برای نیل به اهداف مقدسی که در جامعه‌ای مرفه در نظر گرفته می‌شود را در فحوای آیات شریف خود به او نشان می‌دهد. در نتیجه این دستورالعمل هیچ نکته‌ای از نکات را فروگذار نکرده است تا فرد مؤمن به خاطر آن ناچار باشد به منبع دیگری روی نماید.

در راستای چنین اهدافی هم در آیات قرآن مجید آمده است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»، (حجر: ۹) و هم مؤمنان در دوره‌های گوناگون، خودشان را مکلف به حفظ و حراست از این نام‌سعدت بخش نموده‌اند و با بذل جان و مال و صرف اوقات فراوان برای حراست از این میراث گران‌بها کوشیده‌اند.

#### ولایت در تداوم امامت:

سلسله‌جنبان و حافظ یکپارچگی امت مسلمان در عقیده و عمل، رشته ولایت و تسلیم محض بودن در راستای تحقق فرمان الهی در جامعه متمدن خداشناس است. در واقع آنچه که یکدستی و وحدت افراد جامعه را برای نیل به اهداف مقدس تأمین می‌کند، پذیرش مدیریت عادل آگاه و از خود گذشته‌ای است که تمام توش و توان خود را صرف فراهم نمودن زمینه‌ها و امکانات هدایت یکایک افراد جامعه تحت تکفل خود می‌کند و در این راه تا پای جان از حقوق پیروان خود به خاطر حفظ حدود الهی جانبداری و حمایت می‌کند. او در عمل نشان می‌دهد که تبعیت از ولایت چه‌سان مؤمن را به «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا» (بقره: ۲۵۷) پیوند می‌دهد و چرا خداوند متعال بهترین خلق خود را برای تداوم بخشیدن به ولایت مورد نظر، برمی‌گزیند و چنان پایگاه منیعی را برایش در نظر می‌گیرد. آیات «اللَّهُ مَوْلَاكُمْ»، (تحریم: ۲) «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ»،

این پیوستگی، زمینه‌ای فرهنگ‌ساز در جامعه عربی می‌شود که هر فرد مؤمنی نهایت تلاش و کوشش خود را برای ایجاد امنیت و آسایش دیگران به‌کار می‌برد و این را نوعی عبادت در جهت تقرب به خدا می‌انگارد. کار به جایی می‌رسد که این مؤمن برای انجام وظایف خود نسبت به برادران و در مدارج بالاتر نسبت به انسان از هر طایفه و قشری، سخت‌ترین مشقات را بر خود تحمیل می‌کند تا بتواند با فعالیت‌های شبانه‌روزی خویش مجموعه‌های گران‌سنگی از مخازن علم و ادب و فرهنگ را برای تأمین رفاه هم‌کیشان خود فراهم آورد که موجب شکوفایی تمدنی گردید که در طول چند قرن توانست در اقصی نقاط دنیای آن روز صیت شهرت و صلابت قدرت حکومت را بر دو رفته‌ترین مجموعه‌های انسانی فراگیر سازد و آنان را مشتاق به کسب علم و هنر و فن کند؛ آن‌چنان‌که پس از دو سه قرن، تمدن اسلامی مشعل‌دار کاروان پرطمطراق علم و تمدن در جهان گردد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَقَّقْتُ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَابِّينَ فِيَّ وَ حَقَّقْتُ مَحَبَّتِي لِلْمُتَزَاوِرِينَ فِي»، (مجموعه ورام: ۳۷) چنین مطالبی سبب می‌شود تا غم‌خوارگی و عشق و مودت نسبت به مؤمنان، یکایک مسلمانان را به جهادی همه‌جانبه بکشاند تا بدان وسیله علایق خود را نسبت به سایر انسان‌ها بروز دهند.

### نتیجه‌گیری:

بررسی تعدادی از آیات کلام الله مجید و برخی از سفارشات و فرمایشات بزرگان دین مؤید این مطلب بود که آموزه‌های مکتب اسلامی که برخاسته از پیام‌های متعالی و انسان‌ساز قرآن مجید هستند، قوی‌ترین عامل تولید فرهنگ و تمدنی در جهان شده است که در هیچ دوره

تاریخی نظیرش پا به عرصه گیتی ننهاده است. با ظهور انقلاب اسلامی ایران که بر پایه ایمان و باور مذهبی شیعی بر مبنای اصالت‌بخشی به ولایت و وصایت در دوران ما به پیروزی رسیده است طلایع امیدوارکننده‌ای از احیای چنان موقعیتی با تجدید حیات تمدن اسلامی قرآنی قابل مشاهده است که با عنایت الهی و بهره‌گیری از انفاس قدسی و آموزه‌های پیامبر اسلام (ص) و ائمه طاهرین (ع) نمونه‌های شگفتی‌آفرین آن را در این زمان شاهد هستیم و در انتظار دمیدن صبح چنان دولتی می‌باشیم که «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ (عنکبوت: ۶۹) ان‌شاء الله. امروز شاهد هستیم که بار دیگر در هر عرصه علمی که جوانان اندیشمند و پرتوان ما وارد می‌شوند سبب بهت و حیرت جهانیان می‌گردند و چنان آثاری را از خود به جای می‌گذارند که واقعاً شگفتی‌آور به حساب می‌آیند! حصول چنین جایگاهی جز از راه توجه کامل به فرامین قرآنی حاصل شدنی نیست! ■

### منابع:

- آزاد ارمکی، تقی؛ جامعه‌شناسی فرهنگ؛ تهران: نشر علم، ۱۳۸۷.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت‌نامه؛ تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۳.
- مظاهری، محمدمهدی؛ «دانشگاه و گفت‌وگوی تمدن‌ها»، فصلنامه مطالعات میان فرهنگی؛ سال اول، شماره دوم.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰.
- ورام، ابی‌الحسن؛ تنبیه الخواطر و نزهة النواظر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- ولایتی، علی اکبر؛ فرهنگ در تمدن اسلامی؛ قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹.